تاریخ دریافت :1394/12/26
تاریخ پذیرش :1395/1/30

بررسی و رتبه بندی شهرستان‌های استان هرمزگان براساس شاخص‌های فرهنگی با استفاده از روش تصمیم گیری چند شاخصه

احمد عربشاهی کریزی*

چکیده

هدف این مقاله بررسی وضعیت فرهنگی شهرستان‌های استان هرمزگان و اولویت‌بندی آنها می‌باشد. جامعه‌ی آماری این پژوهش، استان هرمزگان است که 13 شهرستان دارد. این شهرستان‌ها عبارتند از: ابوموسی، بستک، بشاگرد، بندرعباس، بندرلنگه، پارسیان، جاسک، حاجی‌آباد، خمیر، رودان، سیریک، قشم و میناب. روش مورد استفاده در این پژوهش، تصمیم-گیری چندشاخصه و به طور خاص تکنیک تاپسیس می‌باشد. برای اجرای تکنیک تاپسیس، ابتدا ماتریس داده‌ها شکل گرفت و پس از آن مراحل مختلف این تکنیک شامل کمی کردن و بی‌مقیاس سازی ماتریس، به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس موزون، تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی، تعیین فاصله‌ی هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی، تعیین نزدیکی نسبی یک گزینه به راه‌حل ایده‌آل و در نهایت رتبه‌بندی گزینه‌ها انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که شهرستان بندرعباس بهترین گزینه است و پس از آن به ترتیب شهرستان‌های میناب، جاسک، بندرلنگه، رودان، بستک، قشم، حاجی آباد، پارسیان و ابوموسی قرار دارد. امید است تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش، مورد استفاده‌ی مسئولین فرهنگی استان در جهت سیاستگذاری و برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت فرهنگی قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: فرهنگ، توسعه‌ی فرهنگی، هرمزگان، تصمیم گیری چند شاخصه، تاپسیس.

مقدمه

توسعه سطوح و ابعاد مختلفی را در برمی‌گیرد؛ سطوح مختلف فردی، خانوادگی، شهری، استانی، کشوری و جهانی و ابعاد مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ... . بنابراین، بررسی مبحث توسعه با توجه به جامعیت و گستردگی آن، نیازمند مطالعاتی بسیار فراتر از یک پژوهش می‌باشد. لذا ما در این پژوهش با توجه به محدودیت‌های مقاله‌ی پژوهشی، کوشیده‌ایم تا دامنه‌ی مشخص و محدودی برای بررسی در نظر بگیریم. لذا از نظر ابعاد توسعه، بعد فرهنگی و از لحاظ سطح، رده‌ی استانی مدنظر واقع گردید و استان هرمزگان به عنوان مورد مطالعه انتخاب شد. توسعه و به خصوص توسعه‌ی فرهنگی، به برنامه ریزی‌های دقیق و همه جانبه نیازمند است. یکی از اولین اقدامات در فرآیند توسعه، آشنایی دقیق با شرایط موجود می‌باشد تا با شناخت نقاط قوت و ضعف، در ادامه با تقویت و رفعآنها بتوان پیشرفت و توسعه را تحقق بخشید. در این مقاله درصدد هستیم تا در جامعه‌ی آماری پژوهش، یعنی استان هرمزگان، وضعیتفرهنگی شهرستان‌های این استان را بررسی و رتبه‌بندی نماییم.

* دکترای مدیریت دولتی، استادیار گروه مدیریت دانشگاه پیام نور تهران ـ ایران.
Ahmad.arabshahi@gmail.com

مبانی نظری

تعریف لغوی فرهنگ

فرهنگ، واژه‌ای است قدیمی که در زبان اوستایی از دو جزء «فرّ» و «هنگ» ترکیب شده است. «فرّ» پیشوند و به معنی بالا، جلو و پیش؛ و «هنگ» از ریشه‌ی اوستایی «ثنکا» به معنی کشیدن، سنگینی و وقار است. «بهنگ» به معنی با وقار، متین و«هنگ» به معنای دانایی، هوشیاری و فهم و فراست به کار می‌رود. بنابراین، می‌توانیم «فرهنگ» را از نظر لغوی بالا کشیدن و بیرون کشیدن معنی کنیم. اما باید دانست که منظور ما معنی تحت اللفظی، لغوی و ریشه‌یابی واژه‌ی فرهنگ نیست، بلکه مفهوم استنباطی عامه‌ی مردم از این واژه قابل توجه است. در گذر زمان و در ادبیات فارسی، هیچ گاه این واژه به معنی «بالاکشیدن» استفاده نشده-است.

فرهنگ، علاوه بر معانی ادب، تربیت، دانش، معرفت، حکمت، هنر و... هم معنی و مترادف با معانی دیگر به کار رفته است؛ از جمله رأی و هوش، عقل و خرد، تربیت درست، آگاهی نیروبخش، قوه‌ی تمیز نیک از بد، شناخت حد هرچیز، فضیلت اخلاقی، مجموع صفات پسندیده، فضایل روحی و معنوی و نیز آنچه در دایره‌ی اخلاق، رفتار و گفتار خوب قرار می‌گیرد، آرایش جان، مایه‌ی آراستگی روح، موجب سروی، سودمندی و بی‌آزاری، مایه‌ی نیکنامی، تندرستی روان، مایه‌ی زنده دلی، برتر از گوهر، بزرگی جاه، بهتر از گنج، وقار، بزرگواری، شرف، مایه‌ی فخر، اساس استقامت و بردباری، مایه‌ی شادی و اقبال، معیار و اعتبار، فرّ و شکوه و جلال، اندیشه‌ی درست، خردمندی و درایت.

فردوسی درباره‌ی جایگاه و نقش فرهنگ چنین می‌گوید:

ز دانا بپرسید پس دادگر — که فرهنگ بهتر بود یا گهر؟
چنین داد پاسخ بدو رهنمون — که فرهنگ باشد ز گوهر فزون
که فرهنگ آرایش جان بود — ز گوهر سخن گفتن آسان بود
گهر بی‌هنر زار و خار است — به فرهنگ باشد روان تندرست
وسست

معادل واژه‌ی فرهنگ در زبان انگلیسی، «کالچر» و در زبان فرانسوی و آلمانی «کالتور» است که به معنی کشت، زرع و پرورش گیاهان به کار رفته است. در زبان عربی، مفهوم «فرهنگ» معادل اصطلاح «ثقافه» است (بزی، 1387).

مفهوم فرهنگ

مفهوم فرهنگ برای نخستین بار در اواخر قرن نوزدهم میلادی، به وسیله‌ی انسان‌شناسان استفاده شد. اولین تعریف واضح و کامل به وسیله‌ی انسان‌شناس بریتانیایی، ادوارد بورنت تایلو ارائه شد. او در سال 1871 فرهنگ را چنین تعریف کرد: «کلیتی پیچیده شامل دانش، اعتقاد، هنر قانون، اخلاقیات، آداب و رسوم و سایر توانمندی‌ها و خصلت‌های مکتسبه توسط انسان به عنوان عضوی از جامعه. به عبارت دیگر، فرهنگ مجموع ویژگی‌های رفتاری و عقیدتی است که اعضای یک جامعه‌ی خاص آن را کسب نموده اند.

تعریف جامعی از مفهوم فرهنگ، به علت وسعت و گستردگی آن کار ساده‌ای نیست. بیش از 250 تعریف از فرهنگ ارائه شده است. در این‌جا به ذکر چند تعریف که از اهمیت بیشتری برخوردارند، بسنده می‌کنیم:

به عقیده‌ی ژان کازنو «ثمره‌ی واقعی و قابل مشاهده‌ی کوشش انسان‌ها در زندگی اجتماعی، به طور کلی فرهنگ نامیده می‌شود.»

هرسکویتس در تعریف فرهنگ می‌گوید: «فرهنگ آن قسمت از محیط است که به دست انسان ساخته‌شده و تأثیر پذیرفته است.»

فرهنگ، ماورای پدیده‌های غریزی و در برگیرنده‌ی تمام عواملی است که فرد از گروه‌های انسانی یا به وسیله‌ی رفتار آگاهانه آموخته است؛ یا توسط تکنیک‌ها، شیوه‌های گوناگون، نهادهای اجتماعی، باورها و شکل‌های متفاوت تماس و غیره تحت تأثیر قرار گرفته است.

فرهنگ را به طور معمول چنین تعریف کرده‌اند: «ارزش‌های یک گروه معین (چه محدود و چه وسیع) و هنجارهایی که از آن پیروی می‌کنند و نیز کالاهای مادی که تولید می‌کنند.» بر همین اساس، ما غالباً اشاره می‌کنیم به مردم آمریکایی- آفریقایی تباری که دودمان آنها از فرهنگ آفریقایی است، یا چینی‌هایی که از فرهنگ چین آمده‌اند. فرهنگ مترادف با عدالت اجتماعی، به شیوه‌های نمادی شفاف و عینی و درصدد ارائه‌ی بهترین شیوه‌های زندگی و جنبه‌های سکونت است (بزی، 1387).

توسعه پایدار

تاکنون از «توسعه‌ی پایدار» [1] تعاریف گوناگونی صورت گرفته است. در بحث از توسعه مفهوم مشخصی به ذهن متبادر می‌شود، اما ایده‌ی پایداری نه از علوم انسانی بلکه از علوم تجربی اخذ شده است. پایداری وقتی همنشین توسعه می‌شود، بیانگر سنت مدرنیسم است، اما همزمان تأکید آن بر تنوع فرهنگی، بیان صریحی از پست مدرنیسم می‌باشد. از سوی دیگر، میراث تاریخی که توسعه از آن نشأت گرفته است، به ایده‌ی پیشرفت دوران روشنفکری باز می‌گردد. از این نظر عده‌ای معتقدند که همراه شدن ایده‌ی پیشرفت با محدودیت‌های زیست محیطی، بیانگر نوعی توسعه‌ی پسا روشنفکری است.

از منظر دیگر، توسعه‌ی پایدار هم انسان محور است و هم طبیعت محور. به عبارت دیگر، انسان محوری توسعه با طبیعت محوری پایداری همنشین شده است. انسان محوری چنانکه گفتیم ریشه در ایده‌های دوران روشنفکری دارد که بر طبق آن انسان به سوی طبیعت محوری پیش می‌رود و این مسأله‌ی تازه‌ای است که به خصوص، بعد از فعالیت جنبش‌های اجتماعی جدید در غرب و از جمله جنبش سبزها مطرح شده‌است. در اینجا اساس بحث این است که انسان جزئی از طبیعت است، نه فراتر از آن.

رهیافت توسعه‌ی پایدار مدعی است که بهبود واقعی در کشورهای جنوب ممکن نیست، مگر اینکه استراتژی‌های طراحی و اجرا شده از لحاظ زیست محیطی در دراز مدت پایدار بوده و با ارزش‌ها و نهادهای اجتماعی سازگار باشد و مشارکت خود جوش را در فرایند توسعه مورد تشویق قرار دهد.

لذا بدون تعهد روشن به حفظ محیط زیست و گسترش استفاده‌ی عقلانی از منابع، هیچ توسعه‌ی پایدار و رشد معناداری وجود نخواهد داشت. همین -طور از لحاظ فرهنگی و اجتماعی نیز باید توسعه‌ی پایدار را با ارزش‌های خود جامعه سنجید.

[1] sustainable development

توسعه‌ی پایدار برخلاف توسعه‌ی معمولی، صرفاً درصدد نیست که اهداف نظام اقتصادی را محقق سازد، بلکه می‌خواهد به طور همزمان اهداف نظام فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و زیستی را به حداکثر برساند.

اهداف نظام زیستی، بیولوژیکی عبارتند از: تنوع ژنتیکی تجدید حیات-پذیری و بهره‌برداری بیولوژیکی. نظام اقتصادی نیز ارضای نیازهای اولیه، پیشرفت متعادل، و افزایش کالاها و خدمات مفید را هدف خود می‌داند و بالأخره اهداف نظام فرهنگی ـ اجتماعی را نیز می‌توان در تنوع فرهنگی، پایداری نهادی، عدالت اجتماعی و مشارکت خلاصه کرد.

بدین‌سان تعجب‌آور نیست که ادعا شود، توسعه‌ی پایدار از لحاظ مفهومی غنی‌تر از توسعه است، ولی اجرای آن نیز به مراتب مشکل‌تر و پیچیده‌تر می‌باشد؛ چون ایده‌ی توسعه پایدار هم درصدد است به علایق بازیگران دولتی پاسخ دهد و هم به علایق نیروی اجتماعی که طرفدار حفظ محیط زیست‌اند. لذا هم بازیگران دولتی و هم NGOها، مخاطبان توسعه‌ی پایدار هستند که لزوماً علایق آنان با هم سازگار نیست.

به هر حال، توسعه‌ی پایدار توسعه‌ای است که نیازهای جهان را در حال حاضر برآورده کند، بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در برآوردن نیازهای خود به مخاطره افکند. توسعه‌ی پایدار، فرآیند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت گیری توسعه‌ی تکنولوژی و تغییر نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد.

در مجموع، توسعه‌ی پایدار را می‌توان تلاشی برای برقراری آشتی میان پیشرفت و توسعه، و حفاظت از محیط زیست و منابع موجود در جهان دانست. به عبارت دیگر، توسعه‌ی پایدار را می‌توان چنین تعریف کرد: برآوردن نیازهای نسل حاضر، بدون لطمه زدن به منابع مورد استفاده‌ی نسل‌های آینده.

به طور کلی موضوع تفکر برانگیز و عادلانه در توسعه‌ی پایدار، ناشی از نظریات زیر است:

1ـ نگهداری و انسجام اکولوژیک؛
2ـ یکپارچگی و حفاظت محیطی در امر توسعه؛
3ـ ایجاد سازگاری و همبستگی متقابل (شمال و جنوب)؛
4ـ تأمین حداقل نیازهای اساسی برای همگان؛
5ـ توجه به همه‌ی نسل‌ها، درون نسل‌ها و بین گونه‌ها؛
6ـ تأکید بر به کارگیری علم در حل مسائل توسعه؛
7ـ پذیرش رشد اقتصادی در چارچوب محدودیت‌ها؛
8 ـ پذیرش شیوه‌ی بلند مدت توسعه؛
9 ـ به هم پیوستن ارزش‌های مربوط به محیط طبیعی و فرهنگی (اخلاقیات توسعه).

در مجموع، اندیشه‌ی جدید توسعه‌ی پایدار مبنی بر آن است که بر پایه-ی تفکر سیستماتیک و نظام یافته، همه چیز را در محیط زیست در پیوند با یکدیگر مدنظر قرار دهیم (حقیقی، 1388).

توسعه و توسعه‌ی فرهنگی

به طور کلی، توسعه فرآیندی است پیچیده که در آن جامعه از دوره‌ای تاریخی به دوره‌ی جدیدی منتقل می‌شود. این فرآیند در هر مرحله از رشد خویش ابعاد مختلف زندگی را متحول می‌سازد. به این ترتیب، توسعه مفهومی است ارزشی که همراه با فرض‌هایی هنجاری، بر الگوی انتزاعی از جامعه دلالت دارد. تا مدت‌ها، توسعه مقوله‌ای صرفاً اقتصادی تلقی می‌شد

و کشورهای مختلف تنها از این جنبه به آن توجه می‌کردند. به عبارتی، پیشرفت اقتصادی یگانه ملاک توسعه‌ی هر جامعه قلمداد می‌شد و تصور غالب این بود که می‌توان به مدد الگوهای مختلف توسعه‌ی اقتصادی، رشد تکنولوژی، انباشت ثروت و مواردی از این قبیل به اهداف جامعه‌ای توسعه یافته نائل شد. اما به‌تدریج نگاه یکسویه به توسعه و تأکید بیش از حد بر مسائل اقتصادی، سبب شد مشکلاتی در عرصه‌های اجتماعی و زیست محیطی برای کشورهای پیشرفته حاصل شود. از سوی دیگر، استفاده‌ی ناآگاهانه از الگوی توسعه به وسیله‌ی برخی از این کشورها، بر توسعه‌ی هماهنگ آنها اثراتی منفی گذاشت. این مشکلات از آنجا نشأت می‌گرفت که نقش کلیدی فرهنگ در قوام جامعه مورد غفلت قرار گرفته بود. می‌توان گفت فرهنگ به‌عنوان گنجینه‌ای از دستاوردهای مادی و معنوی بشری- که باورها، ارزش‌ها، نگرش‌ها و هنجارهای مورد قبول یک جامعه را در طول تاریخ به وجود آورده‌است- نوع رفتار مردم آن جامعه را مشخص می‌کند. بدیهی است که نمی‌توان بدون اعتنا به این مقوله‌ی مهم، به دنبال ایجاد تغییراتی در ابعاد مختلف جامعه بود؛ چراکه هرگونه تغییر و تحولی در تمام ابعاد جامعه اعم از اقتصادی، سیاسی و اجتماعی منوط به نوعی پذیرش فرهنگی در جامعه است. بنابراین بدون ایجاد بستر مناسب فرهنگی، نمی‌توان به دنبال تحقق توسعه در ابعاد دیگر جامعه بود؛ از این رو در سال‌های اخیر، مفهوم توسعه‌ی فرهنگی از سوی مجامع جهانی از جمله یونسکو بسیار قابل توجه قرار گرفته است.

مفهوم توسعه‌ی فرهنگی به صورت جهانی در دهه‌ی 60 میلادی، به وسیله‌ی سازمان یونسکو رواج یافت. همچنین این مفهوم تا آنجا برای یونسکو با اهمیت بود که دهه‌ی 1987 تا 1997 توسط این سازمان به عنوان دهه‌ی توسعه فرهنگی نامیده شد. اما پرسش اساسی این است که فرهنگ یک جامعه چگونه می‌تواند در مقوله‌ی توسعه نقش آفرین باشد؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت رفتارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی ـکه در نهادهای یک جامعه تثبیت شده‌اند ـ نقش عظیمی در فرآیند توسعه‌ی آن جامعه ایفا می‌کنند.

برخی از علل بروز این رفتارها ناشی از نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی مسلط در جامعه است. بنابراین می‌توان گفت: ماهیت این نگرش‌ها و ارزش‌ها که هسته‌ی فرهنگی جامعه را تشکیل می‌دهند، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر فرآیند توسعه یافتگی کشور دارد.

از زاویه‌ای دیگر، نگرش افراد جامعه به مقولات اساسی حیات انسانی، رفتارهای اجتماعی را تحت الشعاع قرار می‌دهد. این مقولات عبارتند از: سرشت انسان، رابطه با طبیعت، زمان (گذشته‌گرا، حال‌گرا یا آینده‌نگر بودن)، روابط افراد در جامعه، فلسفه‌ی زندگی، رابطه‌ی انسان با ماوراء الطبیعه، رابطه‌ی انسان با جوامع دیگر و رابطه‌ی انسان با علم. به این تربیت ایجاد هرگونه تحول در یکی از ابعاد زندگی انسان، مستلزم تغییر در نوع نگرش افراد به این مقوله‌ها است. بی‌توجهی به این مسئله، در ارائه‌ی الگوی توسعه نتیجه‌ای جز تشتت اجتماعی و از دست رفتن انسجام درونی جامعه به دنبال نخواهد داشت.

اینجاست که مفهوم توسعه‌ی فرهنگی، به عنوان زمینه‌ای برای شکل‌گیری توسعه‌ای همه جانبه مطرح می‌شود. تعابیر مختلفی درباره‌ی توسعه فرهنگی وجود دارد، اما می‌توان تعریف ژیرار اگوستین را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد: «ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان‌ها، آمادگی برای تحول، پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه مانند

قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی‌های علمی، اخلاقی و معنوی برای همه‌ی افراد جامعه».

در مجموع، می‌توان توسعه‌ی فرهنگی را فرآیند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه، در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه ساز رشد و تعالی انسان‌ها خواهد شد. در اینجا منظور از شئون گوناگون؛ فرهنگ، نگرش‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین و آداب و رسوم است. هدف نهایی توسعه‌ی فرهنگی در این تعریف، در واقع غرض اصلی هر نوع توسعه‌ای است؛ یعنی رشد و تعالی انسان در ابعاد مادی و معنوی. البته روشن است که دست‌یابی به این هدف فقط در صورت مناسب بودن بستر زیست انسان ـ که همانا جامعه است ـ تحقق نمی‌یابد؛ بنابراین در الگویی مناسب برای توسعه، باید راهکارهایی برای بهبود شرایط زندگی پیش‌بینی شود.

در اینجا سخن بر سر بازاندیشی و بازسازی فرهنگی است. بدون تردید، طرد فرهنگ خودی نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت جز از دست رفتن هویت اجتماعی و تزلزل قوام جامعه، ولی در بازاندیشی فرهنگی باتوجه به مقتضیات زمان، می‌توان به تقویت عناصر فرهنگی‌ای همت گماشت که مساعد توسعه هستند و از سوی دیگر، آن را از عناصری همچون باورهای واهی و خرافات ـ که مانعی در برابر توسعه به شمار می‌روند ـ تصفیه نمود. درک دو مفهوم اساسی در حوزه‌ی توسعه‌ی فرهنگی، یعنی «سیاست فرهنگی» و «استراتژی فرهنگی» بسیار ضروری است. به طور خلاصه می‌توان گفت سیاست‌های فرهنگی، مجموعه تصمیمات کلان و چارچوب‌های قانونی هستند که حکومت‌ها برای حفظ و استقرار شرایط فرهنگی ـ اجتماعی مطلوب و مناسب در جامعه اتخاذ می‌کنند؛ به عبارت دیگر، سیاست‌های فرهنگی مایل به حفظ وضعیت فعلی جامعه «ایستایی نه تغییر و پویایی» هستند. شایان ذکر است سیاست‌های فرهنگی نوین و پیشرفته، ناظر به پویایی نظام مند و در نتیجه کند هستند.

در مقابل، استراتژی فرهنگی ناظر بر نحوه‌ی توسعه‌ی فرهنگی کشور (در راستای اهداف استراتژی کلان توسعه ملی) است و در واقع نحوه‌ی تغییر شرایط فرهنگی فعلی کشور، به وضعیت مطلوب آینده را تعیین می‌کند. پس استراتژی فرهنگی، صریحاً بر ایجاد «تغییر و بهبود» تأکید می‌ورزد و در یک کلام، همچون سیاست‌های فرهنگی حالت انفعالی ندارد، بلکه حالت تهاجمی‌تر و پیش دستانه یا به تعبیری آینده نگرانه به خود می‌گیرد. نکته‌ی قابل‌توجه اینکه بسیاری از کشورها، سیاست فرهنگی و استراتژی فرهنگی‌شان را تلفیق کرده و همه را در قالب یک «سیاست فرهنگی جامع» یا «طرح توسعه‌ی فرهنگی» ارائه نموده‌اند (صالح نیا و همکاران، 1389).

پیشینه پژوهش

در این بخش به بررسی پیشینه‌ی پژوهش پرداخته و برخی از پژوهش‌هایی که پیرامون موضوع مورد بحث نوشته شده است، مرور می‌نماییم:

تقوایی و صبوری (1391)، پژوهشی با عنوان «تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان» انجام داده‌اند. در این تحقیق تلاش شده است با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی، تحلیلی، علی و روش تحلیل عاملی، با به کاربردن ۳۸ شاخص آموزشی، بهداشتی و درمانی، فرهنگی، زیر بنایی و ارتباطی، شهرستان‌های استان هرمزگان را از لحاظ میزان توسعه یافتگی رتبه‌بندی نمایند. نتایج حاصله از این تحقیق نشان می‌دهد که پراکنش سطوح توسعه نامتعادل بوده است و بین شهرستان‌های استان هرمزگان از نظرتوسعه یافتگی ناهماهنگی دیده می‌شود و این تفاوت و پراکندگی در بخش‌های مختلف آموزشی، بهداشت

و درمان، فرهنگی، ارتباطات و رفاهی و زیربنایی وجود دارد. به طوری که شهرستان‌های ابوموسی، پارسیان و بندرعباس توسعه یافته؛ و شهرستان-های بستک، بندرلنگه و حاجی آباد در حال توسعه؛ و شهرستان‌های خمیر، رودان و قشم کمتر توسعه یافته‌اند و شهرستان‌های جاسک و میناب در سطح محروم هستند.

نوحه‌گر و حسین زاده (1389)، در پژوهشی بیان می‌کنند: در چهار دهه‌ی گذشته، صنعت گردشگری یکی از عوامل اصلی توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی بسیاری از کشورها بوده است و از این نظر کشورها تلاش می‌کنند سهم بیشتری از جمعیت توریست را به خود اختصاص دهند. ایران علی رغم داشتن میراث‌های فرهنگی، تاریخی و تنوع زیستی، در فرایند جذب تعداد گردشگررتبه‌ی مناسبی ندارد. استان هرمزگان از نظر توسعه‌ی ژئوتوریسم، یکی از مناطق مستعد ایران به شمار می‌رود؛ چرا که تنوع ژئومورفیک ناحیه و گوناگونی پدیده‌های طبیعی، شرایط مناسبی برای این امر مهیا نموده است. ضرورت محوری بودن پتانسیل گردشگری در توسعه‌ی مناطق، بالطبع به شناخت ظرفیت و جاذبه‌های طبیعت‌گردی در استان هرمزگان می-انجامد. از نظر آنان در این زمینه فعالیت‌های توریستی، اکوتوریستی و تجارت آنها، بایستی یکی از برنامه‌های مهم و قابل توجه برای گذراندن اوقات فراغت باشد که دست کم به دو صورت توریسم فرهنگ‌گرا و توریسم طبیعت‌گرا ـ که جاذبه‌های طبیعی مانند حیات وحش، پدیده‌های ژئومورفیک و هیدرولوژیک، تنوع آب و هوایی و امثال آن نیز مربوط به توریسم طبیعی یا طبیعت‌گرا می‌شوند ـ جلوه‌گر می‌شود. بنابراین نظر به اینکه اکثریت جمعیت استان را شهروندانی تشکیل می‌دهند که از فضای ساختگی شهری خسته هستند و خواهند بود، لازم است توریسم طبیعت‌گرا بیش از پیش قابل توجه قرار گیرد.

زیاری و همکاران (1389)، در پژوهشی به بررسي وضعيت گروه‌هاي درآمدي و برآورد مسكن گروه‌هاي كم درآمد، با استفاده از تكنيك‌هاي آماري مورد استفاده در برنامه‌ريزي مسكن پرداخته‌اند. اين پژوهش سعي داشته است با بررسي وضعيت گروه‌هاي درآمدي و شاخص‌هاي تأمين مسكن مانند متوسط سطح زير بنا، متوسط درآمد و ... در دهك‌هاي موجود، به تخمين نياز مسكوني و برآورد توان مالي گروه‌هاي كم درآمد استان هرمزگان بپردازد و نتايج حاصل را براي برنامه‌ريزي دقيق‌تر مسكن در اين استان به كار برد. طبق يافته‌هاي تحقيق، وضعيت مسكن در گروه‌هاي كم درآمد از سال 75 به بعد در حال بدتر شدن است و فقدان توانايي در تأمين مسكن مناسب از دهك‌هاي ا، 2 و 3 به سمت دهك‌هاي 4 و 5 نيز كشيده شده است. همچنين نرخ اجاره نشيني نشان مي‌دهد كه سرمايه گذاري بخش‌هاي مختلف، به سمت دهك‌هاي درآمدي بالاست و اين نياز به برنامه‌ريزي دقيق براي دهك‌هاي پايييني اين استان را ضروري مي‌سازد.

ابونوري وخوشكار (1386)، تحقيقي با عنوان «مقايسه توزيع درآمد استان هرمزگان با كل كشور، طي برنامه‌هاي دوم و سوم توسعه‌ی اقتصادي ـ اجتماعي» انجام داده‌اند. هدف اساسي اين تحقيق، بررسي روند توزيع درآمد در استان هرمزگان و مقايسه آن با نابرابري درآمد در كل كشور، طي برنامه‌ی دوم و سوم توسعه‌ی اقتصادي ـ اجتماعي بوده است. براي اين منظور با استفاده از داده‌هاي مقطعي، توزيع درآمد (هزينه)، شاخص نابرابري در توزيع درآمد (ضريب جيني) به تفكيك مناطق شهري و روستايي استان هرمزگان و كل كشور برآورد شده‌است. سپس نابرابري اقتصادي در مناطق شهري و روستايي طي دو برنامه‌ی دوم و سوم توسعه، با استفاده از الگوي تحليل واريانس مقايسه شده است. نتايج حاصل از

الگوي تحليل واريانس نشان می‌دهد كه ميانگين نابرابري در مناطق روستايي و شهري استان هرمزگان، از ميانگين نابرابري در مناطق روستايي و شهري كل كشور به صورت معناداري كمتر بوده است. نابرابري در مناطق روستايي استان هرمزگان، به صورت معناداري از نابرابري در مناطق شهري بيشتر بوده است. همچنين براساس برخي ديگر از نتايج، اجراي برنامه‌ی سوم توسعه‌ی اقتصادي ـ اجتماعي، اثر معناداري در كاهش نابرابري استان هرمزگان در مقايسه با برنامه‌ی دوم نداشته است.

اميدوار و همكاران (1388)، با اجرای پژوهشی تحت عنوان «تحليل شبكه‌ی شهري و توزيع فضايي جمعيت در كانون‌هاي شهري استان هرمزگان» پرداخته‌اند. نتايج حاصل از پژوهش، بيانگر اين مطلب است كه براساس قاعده‌ی رتبه ـ اندازه، شبكه‌ی شهري هرمزگان در سال‌هاي (1385-1365) گرفتار فقدان تعادل بوده است. فاصله ميان شهر بندرعباس با شهرهاي پايين دست آن يعني ميناب، بندرلنگه، رودان و ديگر شهرهاي استان زياد بوده و شهرهاي كوچك‌تر و كم جمعيت‌تر از بندرعباس نيز نتوانسته‌اند جمعيت مطلوب خود را كسب كنند. شهر بندرعباس در هر سه دوره‌ی آماري، جايگاه برتر خود را در شبكه‌ی شهري بندرعباس حفظ كرده است و شهر ميناب با فاصله‌ی زياد نسبت به بندرعباس در هر سه دوره‌ی آماري، جايگاه دوم را كسب نموده است. بررسي‌ها نشان مي‌دهد كه تعديل قطب گرايي در توسعه‌ی شهري و تمركززدايي از شهر مسلط، از طريق راهكار تقويت شهرهاي متوسط (ميناب، لنگه، رودان و...) در اين استان، اقدامي منطقي برای متعادل سازي توزيع فضايي جمعيت در كانون‌هاي شهري مي‌باشد.

رباني خوراسگاني و همكاران (1388)، در پژوهشی با عنوان «بررسي موانع فرهنگي ـ اجتماعي توسعه با تأكيد بر خاص گرايي (مطالعه موردي هرمزگان شهر بندرعباس)» درصدد بوده‌اند، به اين سؤال پاسخ دهند كه چرا علي رغم اينكه در دو دهه‌ی گذشته سرمايه‌گذاري‌هاي كلان صنعتي، اقتصادي و تجاري در هرمزگان صورت پذيرفته و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالي متعددي تأسيس شده‌اند، اين منطقه توسعه‌ی درخور نيافته است و هنوز در زمره‌ی مناطق محروم طبقه‌بندي می‌شود؟ در اين پژوهش، با الگو قراردادن نظريه‌ی نوسازي اجتماعي پارسنز و با روش پيمايشي و با استفاده از مقياس‌هاي ليكرت، تمايزات معنايي (برش قطبين) و فرافكني خاص‌گرايي را كه يكي از موانع عمده‌ی فرهنگي ـ اجتماعي توسعه محسوب می‌شود، در شهر بندرعباس آزموده شده است. نتايج بررسي نشان داد كه ميانگين خاص‌گرايي شهروندان بومي (2/88)، غيربومي‌ها (2/98)، زنان (2/86)، مردان (2/93)، اهل سنت (2/8)، و شيعيان (2/95) بوده است.

جامعه‌ی آماری پژوهش

جامعه‌ی آماری اين پژوهش استان هرمزگان است كه برای آشنايی بيشتر با آن، در اين قسمت به توضيحاتی در مورد آن اشاره می‌شود.

هرمزگان يكی از 31 استان كشور جمهوري اسلامی ايران است كه در جنوب كشور و بين مختصات جغرافيايی 25 درجه و 30 دقيقه تا 28 درجه و 53 دقيقه عرض شمالی، و 52 درجه و 44 دقيقه تا 59 درجه و 16 دقيقه طول شرقی از نصف النهار گرينويچ واقع شده است. استان هرمزگان 72631031 كيلومتر مربع مساحت دارد و حدود 4/1 درصد خاك ميهن اسلامی را تشكيل می‌دهد. هرمزگان از جهت شمال و شمال شرقی با استان كرمان، غرب و شمال غربی با استان‌هاي فارس و بوشهر، از شرق با سيستان و بلوچستان

همسایه بوده و جنوب آن را آب‌هاي گرم خلیج فارس و دریاي عمان در نواري به طول تقریبی 900 کیلومتر مربع در بر گرفته است. استان هرمزگان تا پایان سال 1391 داراي 13 شهرستان به نام‌هاي بندرعباس، میناب، سیریک، بندرلنگه، بستک، رودان، جاسک، قشم، حاجی آباد، ابوموسی، پارسیان، خمیر و بشاگرد است. علاوه بر آن این استان از 32 شهر، 85 دهستان، 38 بخش و 2257 آبادي تشکیل شده که از این تعداد 1732 آبادي سکنه داشته است. از نظر وسعت، شهرستان جاسک با مساحت 1114104 کیلومتر مربع بزرگترین، و شهرستان ابوموسی با 70.5 کیلومتر مربع کوچکترین شهرستان استان می‌باشد. از نظر مسافت نزدیکترین شهرستان به مرکزاستان، شهرستان قشم با 22 کیلومتر و شهرستان پارسیان با 420 کیلومتر دورترین شهرستان به مرکز استان می‌باشد.

به جز حاشیه‌ی باریک ساحلی که جلگه‌اي پست و کم ارتفاع می‌باشد، بخش اعظم استان را کوه‌ها و ارتفاعات کوتاه و بلند و دشت‌ها و دره‌هاي نسبتاً مرتفع بین آنها تشکیل داده است؛ از این رو، هرمزگان را باید استانی کوهستانی محسوب کرد که بیش از 70 درصد گستره‌ی آن را کوه در بر گرفته است. کوه‌هاي استان، عمدتاً دنباله‌ی سلسله جبال عظیم زاگرس می‌باشند که از شمال غربی و غرب کشور به سوي جنوب شرقی تا به داخل آب‌هاي خلیج‌فارس امتداد یافته و به تدریج از ارتفاع آن کاسته شده است. بلندترین قله‌های استان عبارتند از: کوه گنو، کوه فارغان و کوه شب.

کوه گنو در فاصله‌ی 20 کیلومتري شمال شهر بندرعباس، در جلگه‌ی ایسین با ارتفاع 2347 متر از سطح دریا واقع شده است که از آن شهر به خوبی دیده می‌شود و از فراز آن پهنه‌ی نیلگون خلیج فارس، تنگه‌ی هرمز و جزایر قشم، لارك و هرمز در چشم انداز فریبنده‌اي جلوه‌گر می‌باشد. کوه فارغان به بلندي 3268 متر و کوه شب با ارتفاع 2861 متر از دیگر بلندی‌هاي قابل ذکر استان است. قله‌های مرتفع ناحیه‌ی شمالی مانند کوه فارغان یا هماگ، در زمستان‌ها معمولاً از برف پوشیده می‌شود. در بین این سلسله کوه‌ها، دشت‌هاي بزرگ و کوچک متعددي وجود دارد که به کانون-هاي کشاورزي، مراکز زیست انسانی و عرصه‌ی فعالیت اقتصادي اختصاص یافته است. به جز نوار باریک ساحلی به عمق حداکثر 30 کیلومتر از ساحل دریا که اقلیم گرم و مرطوب است، و مناطق کوهستانی و جلگه‌هاي نسبتاً مرتفع نواحی شمال مجاور مرزهاي کرمان و فارس که از آب و هواي نیمه معتدل برخوردارند، سایر نواحی هرمزگان در محدوده‌ی مناطق گرم و خشک قرار دارند. به طور کلی هرمزگان تحت تأثیر آب و هواي بیابانی است و تابستان‌هاي طولانی و گرم، و زمستان‌هاي کوتاه و ملایم دارد. در پهنه‌ی وسیع استان، حدود 37 دشت اصلی با مساحت 9687 کیلومتر مربع و تعداد بیشتري دشت‌هاي کوچک و پراکنده وجود دارد که مراکز اصلی کشاورزي در آنها واقع شده است.

براساس نتایج سرشماري عمومی نفوس و مسکن 1390، جمعیت استان هرمزگان با میزان رشدي معادل 2.37 درصد، از 1403674 نفر در سال 1385 به 1578183 نفر در سال 1390 رسیده است. در سال 1390 استانداراي 397452 خانوار بوده که از این تعداد، 204559 خانوار با جمعیتی برابر 788471 نفر، در مناطق شهري و 192196 خانوار با جمعیتی برابر 786379 نفر، درمناطق روستایی ساکن بوده‌اند. بر این اساس نرخ شهرنشینی در استان در سال 1390 به 50 درصد، و میزان جمعیت ساکن در روستا نیز 50 درصد

بوده است. نسبت جنسی جمعیت استان در این سال معادل 103 نفر بوده است. به عبارت دیگر، در مقابل هر یکصد نفر زن 20 ساله، 103 نفر مرد وجود داشته است. بیشترین میزان جمعیت استان هم در مردان و هم در زنان، در گروه سنی 24 ـ 20 و پس از آن در گروه 29ـ 25 ساله قرار داشته است (سالنامه آماری استان هرمزگان 1391).

شکل 1: نقشه تقسیمات استان هرمزگان به تفکیک شهرستان در سال 1390 (مرکز آمار ایران)

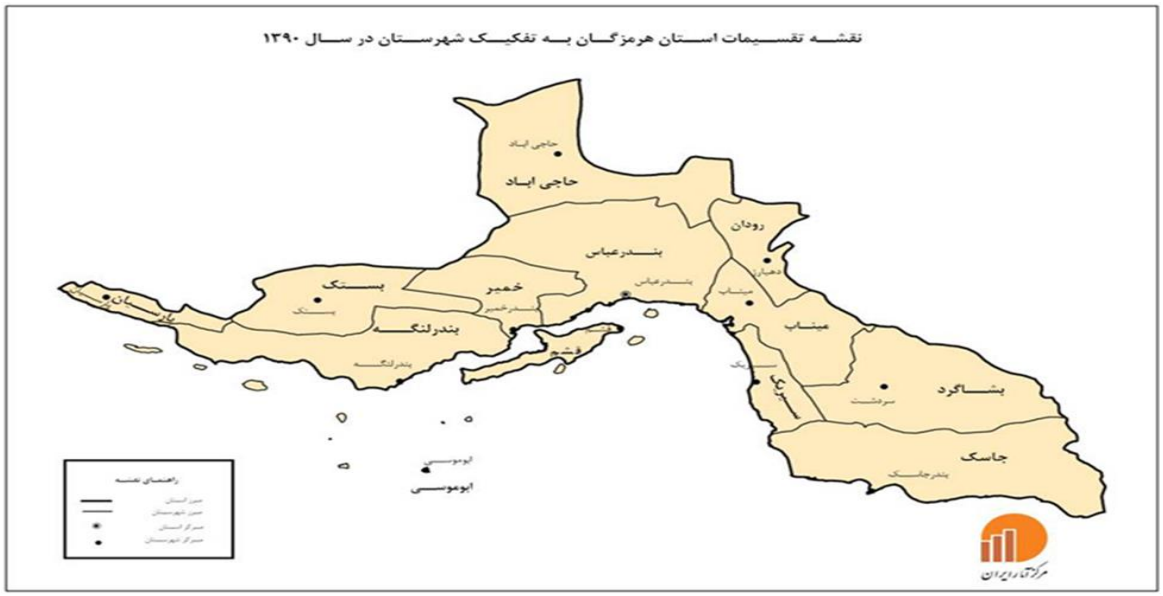

جدول 1: جمعیت شهرستان‌های استان هرمزگان

ردیف	شهرستان	جمعیت
1	ابوموسی	5263
2	بستک	80119
3	بشاگرد	40007
4	بندرعباس	588288
5	بندرلنگه	134713
6	پارسیان	42843
7	جاسک	52882
8	حاجی آباد	65889
9	خمیر	52968
10	رودان	118547
11	سیریک	43185
12	قشم	117774
13	میناب	235705

روش پژوهش

روش استفاده شده در این تحقیق، روش تصمیم‌گیری چند شاخصه (MADM) است که خود تکنیک‌های متفاوتی دارد و در این پژوهش از تکنیک TOPSIS استفاده شده است.

مدل‌های بهینه‌سازی از دوران نهضت صنعتی و به خصوص از زمان جنگ جهانی دوم، همواره قابل توجه ریاضیدانان و دست اندرکاران صنعت در جهان بوده است. تأکید اصلی بر مدل‌های کلاسیک بهینه سازی، داشتن یک معیار سنجش (یا یک هدف) می‌باشد. توجه محققین در دهه‌های اخیر، معطوف به مدل‌های چند معیاره‌ی(MCDM)[1]برای تصمیم‌گیری‌های پیچیده گردیده است. در این تصمیم‌گیری‌ها به جای استفاده از یک معیار سنجش بهینگی، ممکن است از چندین معیار سنجش استفاده شود. این مدل‌های تصمیم‌گیری به دو دسته‌ی عمده تقسیم می‌شود: مدل‌های چند هدفه (MODM)[2] و مدل‌های چند شاخصه (MADM)[3]. مدل‌های چند هدفه به منظور طراحی به کار گرفته می‌شوند، در حالی که مدل‌های چند شاخصه به منظور انتخاب گزینه‌ی برتر استفاده می‌گردند (اصغرپور، 1392).

در مدل‌های چند شاخصه، انتخاب یک گزینه از بین گزینه‌های موجود مدنظر است. در تعریفی کلی تصمیم‌گیری چند شاخصه، با تصمیمات خاصی از نوع ترجیحی مانند ارزیابی، اولویت گذاری یا انتخاب از بین گزینه‌های موجود ـ که گاه باید بین چند شاخص متضاد انجام شود ـ اطلاق می‌گردد (آذر و رجب زاده، 1393: 21).

تکنیک رتبه بندی بر اساس تشابه به حل ایده آل[4](TOPSIS)

تاپسیس به عنوان یک روش تصمیم‌گیری چندشاخصه، روشی ساده ولی کارآمد در اولویت‌بندی محسوب می‌شود. این روش را در سال 1992 «چن و هوانگ»، با ارجاع به کتاب «هوانگ و یون» در سال 1981 مطرح کرده‌اند. الگوریتم تکنیک رتبه‌بندی براساس تشابه به حل ایده‌آل یک تکنیک تصمیم‌گیری چند شاخصه، جبرانی بسیار قوی برای اولویت‌بندی گزینه‌ها از طریق شبیه نمودن به جواب ایده‌آل است که به نوع تکنیک وزن دهی، حساسیت بسیار کمی دارد و پاسخ‌های حاصل از آن تغییر عمیقی نمی‌کند. در این روش، گزینه‌ی انتخاب شده بایستی کوتاه‌ترین فاصله را از جواب ایده‌آل و دورترین فاصله را از ناکارآمدترین جواب داشته باشد (پورطاهری، 1393: 118-117). در این روش m گزینه به وسیله‌ی n شاخص بررسی می‌شوند. هر مسئله به صورت سیستمی هندسی، شامل m نقطه در فضای n بعدی در نظر گرفته می‌شود. هدف در این روش، بیشینه کردن فاصله‌ی گزینه‌ی مورد نظر از مقدار ایده‌آل منفی و کمینه کردن فاصله‌ی همان گزینه تا مقدار ایده‌آل مثبت به صورت همزمان است (مقصودی امیری و دارستانی فراهانی، 1392: 16). TOPSIS روشی چند معیاره برای شناسایی راه‌حل، از مجموعه‌ای متناهی از گزینه‌ها است؛ بر اساس اینکه به طور همزمان حداقل فاصله را از نقطه‌ی ایده‌آل و حداکثر فاصله را از نقطه‌ی حضیض داشته باشد (Olson, 2004). نامکامل TOPSIS، «Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution»؛ یعنی تکنیکی برای رتبه‌بندی براساس تشابه به راه‌حل ایده‌آل می‌باشد. TOPSIS یک روش تحلیل مناسب، برای تعدادی شاخص و گزینه‌های

---

[1]- Multiple Criteria Decision Making
[2]- Multiple Objective Decision Making
[3]- Multiple Attribute Decision Making
[4]- Technique for Order Preference by Similarity to Ideal Solution

متعدد برنامه در جهت انتخاب می‌باشد. ایده‌ی اصلی روش این است که اول شاخص‌های ارزش ایده‌آل مثبت و ارزش ایده‌آل منفی را شناسایی کند، سپس فاصله‌ی بین برنامه تا ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی را محاسبه نماید. در نهایت درجه‌ی نزدیکی را به عنوان استاندارد ارزیابی شایستگی و معیار رتبه‌بندی برای برنامه محاسبه می‌کند (Dai and Wang, 2011).

مراحل انجام تکنیک TOPSIS

استفاده از تکنیک TOPSIS برای تصمیم گیری شامل 6 مرحله می‌باشد:

مرحله 1ـ کمی کردن و بی‌مقیاس سازی ماتریس (N): برای بی‌مقیاس سازی، فرمول بی‌مقیاس سازی زیر را به کار می‌بریم:

$$n_{ij} = \frac{a_{ij}}{\sqrt{\sum_{i=1}^{m} a_{ij}^2}}$$

مرحله 2ـ به دست آوردن ماتریس بی‌مقیاس موزون (V): ماتریس بی‌مقیاس شده (N) را در ماتریس قطری وزن‌ها (Wn*n) ضرب می‌کنیم، یعنی:

$$V = N * W_{n*n}$$

مرحله 3 ـ تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی: راه‌حل ایده‌آل مثبت (V_j^+) و ایده‌آل منفی (V_j^-)، اینگونه تعریف می‌شوند:

(V_j^+)= [V بردار بهترین مقادیر هر شاخص ماتریس]

(V_j^+)= [V بردار بدترین مقادیر هر شاخص ماتریس]

«بهترین مقادیر» برای شاخص‌های مثبت، بزرگ‌ترین مقادیر و برای شاخص‌های منفی، کوچک‌ترین مقادیر است و «بدترین» برای شاخص‌های مثبت، کوچک‌ترین مقادیر و برای شاخص‌های منفی بزرگ‌ترین مقادیر می‌باشد.

مرحله 4 ـ به دست آوردن میزان فاصله‌ی هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی: فاصله‌ی اقلیدسی هر گزینه از ایده‌آل مثبت(d_j^+) و فاصله هر گزینه تا ایده‌آل منفی (d_j^-)، با فرمول‌های زیر محاسبه می‌شود.

مرحله 5 ـتعیین نزدیکی نسبی(CL^*) یک گزینه به راه‌حل ایده‌آل:

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{i=1}^{n} (V_{ij} - V_j^+)^2}, i = 1, 2, \ldots, m$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{i=1}^{n} (V_{ij} - V_j^-)^2}, i = 1, 2, \ldots, m$$

مرحله 6 ـ رتبه‌بندی گزینه‌ها: هر گزینه‌ای که CL آن بزرگ‌تر باشد، بهتر است.

$$CL_i^* = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}$$

(مومنی و شریفی سلیم، 1391: 161-160)

تجزیه و تحلیل اطلاعات و یافته‌ها

در این بخش با توجه به توضیحاتی که راجع به روش پژوهش داده شد، به تجزیه و تحلیل اطلاعات می‌پردازیم. همانگونه که اشاره شد، در این پژوهش از روش تصمیم‌گیری چند شاخصه و به طور خاص، از تکنیک تاپسیس

استفاده می‌شود. لذا در ادامه، به اجرای فرایند شش مرحله‌ای تکنیک تاپسیس پرداخته شده است. ابتدا و همان طور که در جدول مربوطه مشاهده می‌شود، ماتریس اولیه‌ی تکنیک تاپسیس شکل گرفته است. در این جدول، گزینه‌ها شهرستان‌های استان هرمزگان می‌باشد و شاخص‌های استفاده شده عبارتند از: تعداد سالن نمایش، تعداد اجرا (تئاتر و موسیقی)، تعداد نمایشگاه‌های کتاب برگزار شده، بازدیدکنندگان نمایشگاه‌های کتاب، چاپخانه‌هاي تحت نظارت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، تعداد کتابخانه‌هاي عمومی، تعداد اعضای کتابخانه‌ها، تعداد مسجد، تعداد تکیه، حسینیه و تعداد ورزشکاران سازمان یافته.

جدول 2: ماتریس داده‌ها (گزینه‌ها و شاخص‌ها)

معیارها / گزینه‌ها	تعداد سالن نمایش	تعداد اجرا (تئاتر و موسیقی)	تعداد نمایشگاه‌های کتاب برپا شده	بازدیدکنندگان نمایشگاه‌های کتاب	چاپخانه‌های تحت نظارت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی	تعداد کتابخانه‌های عمومی	تعداد اعضای کتابخانه‌ها	تعداد مسجد	تعداد تکیه و حسینیه	تعداد ورزشکاران سازمان یافته
ابوموسی	1	5	3	1000	0	1	628	2	0	435
بستک	1	22	7	5100	0	5	2615	241	2	1097
بندرعباس	3	57	13	38000	29	13	10634	627	57	21440
بندرلنگه	2	10	3	5000	2	5	2135	75	58	3988
پارسیان	1	5	4	10000	1	4	1424	172	18	1854
جاسک	1	6	3	5800	1	2	723	286	118	1252
حاجی آباد	1	11	6	8400	0	3	747	133	49	1541
رودان	1	12	8	8400	0	4	2109	282	29	4239
قشم	0	0	0	0	0	6	3951	248	11	4435
میناب	2	17	9	114000	2	6	3878	541	439	4556

* به علت محدودیت و به این سبب که بیش از 10 گزینه قابل بررسی نبود، شهرستان‌های بشاگرد، خمیر و سیریک در تجزیه و تحلیل‌ها وارد نشده اند.

پس از تشکیل ماتریس اولیه‌ی تکنیک تاپسیس، در مرحله بعدی کمی کردن و بی‌مقیاس‌سازی ماتریس انجام می‌شود. سپس ماتریس بی‌مقیاس موزون به دست می‌آید و در مرحله‌ی بعد، به تعیین راه‌حل ایده‌آل مثبت و راه‌حل ایده‌آل منفی پرداخته می‌شود و در ادامه، میزان فاصله‌ی هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی حاصل می‌شود. سپس نزدیکی نسبی (CL^*) یک گزینه

به راه‌حل ایده‌آل تعیین و در انتها رتبه‌بندی گزینه‌ها انجام می‌شود. در این صورت، هر گزینه‌ای که CL آن بزرگ‌تر بوده است، بهتر در نظر گرفته می‌شود. نتایج حاصل شده به قرار زیر است.

جدول 3: وزن‌های به دست آمده برای شاخص‌ها از روش آنتروپی

Using Entropy method	W1	W2	W3	W4	W5	W6	W7	W8	W9	W10
	0.012	0.0816	0.0327	0.1972	0.2066	0.0384	0.0792	0.0563	0.1754	0.1206

جدول 4: نزدیکی نسبی گزینه‌ها به راه‌حل ایده‌آل

Result(Similarity Ratio)	A1	A2	A3	A4	A5	A6	A7	A8	A9	A10
	0.0213	0.0953	0.5745	0.1056	0.071	0.1346	0.0823	0.1025	0.092	0.543

Best alternative is A3

The ranking of alternative: A3 > A10 > A6 > A4 > A8 > A2 > A9 > A7 > A5 > A1

با توجه به نتایج به دست آمده از محاسبات، می‌توان گفت که شهرستان بندرعباس بهترین گزینه است. ترتیب و اولویت کلی شهرستان‌ها از این قرار است: بندرعباس، میناب، جاسک، بندرلنگه، رودان، بستک، قشم، حاجی‌آباد، پارسیان و ابوموسی.

نتیجه گیری

در این مقاله کوشیده‌ایم تا وضعیت فرهنگی شهرستان‌های استان هرمزگان را بررسی و اولویت بندی نماییم. بنابراین جامعه‌ی آماری تحقیق، شهرستان‌های استان هرمزگان را در بر می‌گیرد که شامل سیزده شهرستان به شرح ذیل می‌باشد: ابوموسی، بستک، بشاگرد، بندرعباس، بندرلنگه، پارسیان، جاسک، حاجی آباد، خمیر، رودان، سیریک، قشم و میناب. روش مورد بررسی در این پژوهش، تکنیک تاپسیس، از تکنیک‌های تصمیم گیری چند شاخصه می‌باشد. برای تشکیل ماتریس داده‌ها در تکنیک تاپسیس، شهرستان‌های استان هرمزگان به عنوان گزینه انتخاب شدند و شاخص‌ها به این قرار بودند: تعداد سالن نمایش، تعداد اجرا (تئاتر و موسیقی)، تعداد نمایشگاه‌های کتاب برگزار شده، بازدید کنندگان نمایشگاه‌های کتاب، چاپخانه‌هاي تحت نظارت اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی، تعداد کتابخانه‌هاي عمومی، تعداد اعضای کتابخانه‌ها، تعداد مسجد، تکیه و حسینیه و تعداد و رزشکاران سازمان یافته.

برای جمع آوری داده‌ها و اطلاعات، به سالنامه‌ی آماری 1391 استان هرمزگان مراجعه، و آمار لازم مربوط به گزینه‌ها و شاخص‌ها استخراج شد. در ادامه برای تجزیه و تحلیل اطلاعات، فرآیند شش مرحله‌ای تکنیک تاپسیس به اجرا درآمد. تجزیه و تحلیل‌های انجام شده نشان داد؛ با توجه به شاخص‌های انتخاب شده، اولویت شهرستان‌های استان هرمزگان از نظر وضعیت فرهنگی بدین صورت می‌باشد: بندرعباس، میناب، جاسک، بندرلنگه، رودان، بستک، قشم، حاجی آباد، پارسیان و ابوموسی. همان گونه که در متن مقاله نیز اشاره شد، می‌توان با آشنایی به وضعیت

موجود فرهنگی، نقاط ضعف و قوت فرهنگ را دریافت و با رفع و تقویت آن نقاط مسیر توسعه را با سلامت و سرعت بیشتری پیمود. با توجه به اینکه توسعه‌ی فرهنگی زمانبر و مشکل است، انتظار می‌رود با توجه خاص مسئولین فرهنگی استان، سیاستگزاری‌های مؤثرتر، هماهنگی بیشتر بین ارگان‌های فرهنگی و اقدامات بجا و مستمر، وضعیت فرهنگی بهتری را مشاهده نماییم.

منابع و مآخذ

آذر، عادل و رجب زاده، علی (1389)، *تصمیم گیری کاربردی رویکرد MADM*، تهران: نگاه دانش.

ابونوري، اسماعيل وخوشكار، آرش (1386)، *«مقايسه توزيع درآمد استان هرمزگان با كل كشور طي برنامه هاي دوم و سوم توسعه اقتصادي ـ اجتماعي»*، فصلنامه اقتصاد مقداري (فصلنامه بررسي‌هاي اقتصادي)، دوره 4، شماره 2. (پياپي 13) : 69 ـ 84.

اصغرپور، محمد جواد (1392)، *تصمیم گیری چند معیاره*، تهران: دانشگاه تهران.

اميدوار، كمال؛ بيرانوند زاده، مريم و رستم گوراني، ابراهيم (1388)، *«تحليل شبكه شهري و توزيع فضايي جمعيت در كانون‌هاي شهري استان هرمزگان»*، فصلنامه جغرافيايي چشم انداز زاگرس، دوره1 ، شماره :1092ـ132.

اميری، مقصود و دارستانی فراهانی، احمد (1392)، *تصمیم‌گیری با معیارهای چندگانه*، تهران: انتشارات دانشگاهی کیان.

بزی، خدارحم (1387)، *«تأملی بر فرهنگ و اثرگذاری آن بر توسعه»*، رشد آموزش جغرافیا، شماره 8: 38 ـ 45.

پورطاهری، مهدی (1393)، *کاربرد روش‌های تصمیم گیری چند شاخصه در جغرافیا*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

تقوایی، مسعود و صبوری، محمد (1391)، *«تحلیل تطبیقی سطح و میزان توسعه یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان هرمزگان»*، جغرافیا و برنامه-ریزی محیطی، سال بیست و سوم، شماره :532 ـ 68.

حقیقی، علی محمد (1388)، *«بررسی نقش فرهنگ در توسعه پایدار؛ تحلیل موردی فرهنگ ایران»*، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال چهارم، شماره 37 و 38: 76 ـ 86.

رباني خوراسگاني، رسول؛ پورافكاري، نصراله؛ كتابي، محمود ورئوفي، محمود (1388)، *«بررسي موانع فرهنگي ـ اجتماعي توسعه با تأكيد بر خاص-گرايي (مطالعه موردي هرمزگان شهر بندرعباس)»*، جامعه‌شناسي كاربردي، دوره 20، شماره 3 : 135 ـ 156.

زياري، كرامت اله؛ مهدنژاد، حافظ؛ پرهيز، فرياد وآقاجاني محمد (1389)، *«بررسي وضعيت مسكن گروه هاي درآمدي و برآورد مسكن گروه هاي كم درآمد (نمونه موردي استان هرمزگان)»*، تحقيقات جغرافيايي، دوره 25، شماره 3: 29 ـ 55.

صالح نیا، نرگس؛ دهنوی، جلال و حق نژاد، امین (1389)، *«نقش فرهنگ در توسعه اقتصادی»*، مهندسی فرهنگی، شماره 43 و 44: 66ـ79.

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری 1391 استان هرمزگان.

مؤمنی، منصور و شریفی سلیم، علیرضا (1391)، *مدل‌ها و نرم افزارهای تصمیم‌گیری چند شاخصه*، تهران: ناشر مؤلف.
نوحه‌گر، احمد و حسین زاده، محمد مهدی (1389)، *«مدیریت جاذبه‌های اکوتوریسمی پدیده‌های ژئومورفولوژی استان هرمزگان»*، چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام.

Olson, D. L. (2004).Comparison of Weights in TOPSIS Models.Mathematical and Computer Modelling 40 (2004) 721-727.

Dai, Lixin and Wang, Jianfang (2011). Evaluation of the Profitability of Power Listed Companies Based on Entropy Improved TOPSIS Method. Procedia Engineering 15 (2011) 4728 – 4732.

Reviews and ratings based on the cultural city of the Hormozgan using Multiple Attribute Decision Making

Abstract

The purpose of this study was to investigate the cultural townships of Hormozgan and Prioritization. The sample of the study is Hormozgan's 13 city. This is the provinces are: Abu Musa, Bastak, Bashagard, Bandar Abbas, Bandar Lengeh, Parsian, Jask, Haji Abad, khamir, Rudan, Sirik, Minab and Qeshm.The method used in this research is Multiple Attribute Decision Making and specifically the TOPSIS technique. To run TOPSIS technique, data matrix wasformed and then the different stages of this technique consists quantifying and scale of the matrix, the matrix Bi-scale weighted to determine the positive ideal solution and negative ideal solution, determine the distance each option has positive and negative ideal, the ideal solution is an option to determine the relative closeness and finally grading options was performed . The results show that the Bandar Abbas city is best option, and located then to the cities of Minab, Jask, Bandar Lengeh, Rudan, Bastak, Qeshm, Haji Abad, Parsian and Abu Musa. . It is hoped that analyzes in these study used provincial cultural authorities in order to improve the planning policy and culture.

Keywords: culture, cultural development, Hormozgan, Multiple Attribute Decision Making, TOPSIS.